

اقدام درخشان نیروهای مسلح در مجازات رژیم صهیونیستی کاملاً قانونی و مشروع بود/ هر ضربه به رژیم صهیونیستی خدمت به انسانیت است



در پی شهادت مظلومانه پرچمدار مقاومت و آزادی قدس و فلسطین، حجت الاسلام و المسلمین سیدحسن نصرانی و در آستانه اولین سالگرد حماسه طوفان الاقصی (۱)

خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله في الارضين. اللهم انى احمك و استعينك و استغفرک و اتوكل عليك، و السلام على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين. قال الله تعالى: وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَمُرُّونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اَمْرًا وَ رَسُوْلًا هُوَ اَوْلٰىكَ سَيَرِدَ عَلَيْهِمْ اَمْرٌ اَنْ يَنْزِلَ عَلَيْهِمْ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ. (۲)

همه‌ای برادران و خواهران عزیز را و خودم را دعوت میکنم و توصیه میکنم به رعایت تقوای الهی. در گفتارمان، در کردارمان مراقب باشیم از حدود الهی خارج نشویم؛ معنای تقوا این است.

در این آیه‌ای که تلاوت کردم، مسئله‌ای مهم پیوستگی مؤمنین با یکدیگر مطرح شده است که در تعبیرات قرآنی به این پیوند و این پیوستگی گفته میشود «ولایت»؛ ولایت مؤمنین با یکدیگر. این مطلب در چند آیه‌ای از قرآن آمده است. در این آیه نتیجه‌ای این ولایت و همبستگی را رحمت الهی معرفی میکند: **اُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ**؛ یعنی اگر شما مسلمانان با یکدیگر پیوند و ارتباط و همکاری و همدلی داشته باشید، رحمت خداوند شامل حال شما میشود. بعد میفرماید: **إِنَّ أَعَزُّكُمْ**؛ آیه‌ای شریفه را با ذکر عزت الهی و حکمت الهی پایان میدهد؛ شاید از این جهت که رحمت الهی در این مورد متناسب است با عزت پروردگار و حکمت پروردگار؛ چون رحمت خداوند، انواع فضائل نازل‌های از سوی پروردگار بر بندگان را شامل میشود؛ همه‌ای نعمتها، همه‌ای لطفها، همه‌ای حوادث زندگی رحمت الهی است؛ لکن در این آیه‌ای شریفه، این رحمت متناسب است با «عزت» و «حکمت». عزت الهی یعنی سیطره‌ای قدرت پروردگار بر همه‌ای عالم وجود؛ حکمت الهی یعنی استحکام و استواری همه‌ای قوانین آفرینش. شاید در این آیه خواسته‌اند ما را به این معنا توجه بدهند که اگر مسلمانها با یکدیگر اتحاد و اتفاق داشته باشند، عزت الهی و حکمت الهی پشت سر اینها است؛ میتوانند از قدرت بی‌پایان الهی استفاده کنند، میتوانند از مفتضای سنت‌های پروردگار و قوانین الهی استفاده کنند.

خب، این ولایت یعنی چه؟ یعنی پیوند و همبستگی مسلمانان با یکدیگر؛ این شد سیاست قرآنی برای مسلمانها. سیاست قرآن برای مسلمانها این است که ملتهای مسلمان، گروه‌های مسلمان، با یکدیگر همبستگی داشته باشند و کآنزه وعده میدهد که اگر شما ملتهای مسلمان این همبستگی را با هم داشته باشید، این، موجب آن است که عزت خداوند پشت سر شما است؛ یعنی بر همه‌ای موانع غلبه پیدا میکنید، بر همه‌ای دشمنان پیروز میشوید؛ حکمت الهی پشتیبان شما است؛ یعنی همه‌ای قوانین آفرینش در جهت پیشرفت شما به کار خواهد افتاد؛ این، منطق قرآن و سیاست قرآن است.

نقطه‌ای مقابل این سیاست، سیاست دشمنان اسلام است؛ یعنی مستکبران و متجاوزان عالم. سیاست آنها «تفرقه بینداز و حکومت کن» است؛ مبنای کار آنها تفرقه‌افکنی است. این سیاست تفرقه‌افکنی را در کشورهای اسلامی با انواع ترفندها تا امروز اجرا کرده‌اند، هنوز هم دست‌بردار نیستند و موجب میشوند که دلهای ملتهای اسلامی نسبت به هم مکدر بشود؛ اما امروز ملتها بیدار شده‌اند. امروز روزی است که امت اسلامی میتواند بر این ترفند دشمنان اسلام و مسلمین فائق بیاید.

من عرض میکنم دشمن ملّت ایران همان دشمن ملّت فلسطین است، همان دشمن ملّت لبنان است، همان دشمن ملّت عراق است، همان دشمن ملّت مصر است، دشمن ملّت سوریه است، دشمن ملّت یمن است؛ دشمن یکی است، شیوه‌های دشمن در کشورهای مختلف، مختلف است. یک جا با جنگ روانی، یک جا با فشار اقتصادی، یک جا با بمب‌های دوتُنی، یک جا با سلاح، یک جا با لجن، دارند دشمنان ما این سیاست را پیش می‌برند، اما افاق فرمان یک جا است، از یک جا دستور میگیرند، از یک جا فرمان حمله‌ای به جمعیت‌های مسلمان و ملّتهای مسلمان را دریافت میکنند. اگر این سیاست در یک کشور، موفق شد، یعنی موجب سیطره‌ای بر یک کشور شد، وقتی خاطرشان از یک کشور آسوده شد، به سراغ کشور دیگر میروند. ملّتها نباید بگذارند.

هر ملّتی اگر میخواهد مبتلای به محاصره‌ای فلج‌کننده‌ای دشمن نشود، باید از اوّل چشم را باز کند، بیدار باشد؛ وقتی دید دشمن سراغ یک ملّت دیگر رفت، خود را با آن ملّت مظلوم و زیر ستم شریک بدانند، به او کمک کنند، با او همکاری کند تا دشمن آنجا موفق نشود. اگر دشمن آنجا موفق بشود می‌آید سراغ این نقطه‌ای بعدی. ما مسلمانها سالهای متمادی از این حقیقت غفلت کرده‌ایم، نتایجش را هم دیده‌ایم؛ امروز دیگر نباید غفلت کنیم؛ باید حواسمان جمع باشد. ما باید کمریند دفاع را، کمریند استقلال‌طلبی را، [کمریند] عزّت را، از افغانستان تا یمن، از ایران تا غزّه و لبنان، در همه‌ای کشورهای اسلامی و ملّتهای اسلامی محکم ببندیم. این مطلب اوّل که امروز من خواستم عرض کنم.

امروز بیشتر صحبت من با برادران لبنانی و فلسطینی است که دچار مشکلند که در خطبه‌ای بعد اینها را به آنها عرض خواهم کرد. مطلب دوّم این است که احکام دفاعی اسلام تکلیف ما را معلوم کرده است؛ هم احکام دفاعی اسلام، هم قانون اساسی خودمان، هم قوانین بین‌المللی؛ همین قوانینی که ما در نگاشتن آن قوانین تأثیری نداشتیم، اما حتّی در همان قوانین هم این مطلبی که عرض میکنم جزو مسلّمات است و آن، این است که هر ملّتی حق دارد از خاک خود، از خانه‌ای خود، از کشور خود، از منافع خود در مقابل متجاوز دفاع کند؛ معنای این حرف این است. معنای این حرف این است که ملّت فلسطین حق دارد در مقابل دشمنی که خاک او را تصرف کرده، خانه‌ای او را اشغال کرده، مزرعه‌ای او را ویران کرده، زندگی او را تباه کرده برآیستد؛ ملّت فلسطین حق دارد. این یک منطق مستحکمی است که امروز قوانین جهانی هم آن را تأیید میکند.

فلسطین مال کیست؟ ملّت فلسطین چه کسانی هستند؟ این اشغالگران از کجا آمده‌اند؟ ملّت فلسطین حق دارد در مقابل آنها برآیستد؛ هیچ محکمه‌ای، هیچ مرکزی، هیچ سازمان بین‌المللی‌ای حق ندارد به ملّت فلسطین اعتراض کند که چرا در مقابل رژیم غاصب صهیونیستی سینه سپر کردید؛ حق ندارند. آن کسانی هم که به ملّت فلسطین کمک میکنند، وظیفه‌ای خودشان را انجام میدهند؛ هیچ کسی بر اساس هیچ

قانون بین‌المللی حق ندارد به ملت لبنان، به حزب‌الله لبنان اعتراض کند که چرا شما از غزه، از قیام مردم فلسطین حمایت کردید؛ وظیفه‌ی آنها است، باید میکردند. این دیگر، هم حکم اسلامی است، هم قانون عقلی است، هم منطق بین‌المللی و جهانی است. فلسطینی‌ها از خاک خودشان دارند دفاع میکنند؛ دفاع آنها مشروع است، کمک به آنها هم مشروع است.

بنابراین همه‌ی این حملات و طوفان‌الاقصی که در سال گذشته تقریباً همین ایام انجام گرفت، (۳) یک حرکت درست منطقی قانونی بین‌المللی بود و حق با فلسطینی‌ها بود. دفاع جانانه‌ی لبنانی‌ها از مردم فلسطین هم مشمول همین حکم است؛ آن هم قانونی، معقول، منطقی و مشروع است و کسی حق ندارد از آنها انتقاد کند که چرا شما در این دفاع وارد شدید. کار درخشان نیروهای مسلح ما در دو سه شب قبل هم یک کار کاملاً قانونی و مشروع بود. (۴) کاری که نیروهای مسلح ما کردند، کمترین مجازات برای رژیم غاصب صهیونی در برابر جنایتهای حیرت‌آور آن رژیم بود؛ رژیم خون‌آشام، رژیم گرگ‌صفت و سگ‌هار آمریکا در منطقه. جمهوری اسلامی هر وظیفه‌ای در این زمینه داشته باشد، با قدرت و صلابت و قاطعیت انجام خواهد داد. ما در انجام این وظیفه، نه تعلل میکنیم، نه شتاب‌زده میشویم؛ تعلل نمیکنیم، کوتاهی نمیکنیم، دچار شتاب‌زدگی هم نمیشویم. آنچه منطقی است، آنچه معقول است، آنچه درست است، به نظر تصمیم‌گیران نظامی و سیاسی، در وقت خود، در هنگام خود انجام میگیرد؛ کما اینکه انجام گرفت و در آینده هم اگر لازم شد، باز انجام خواهد گرفت.

در خطبه‌ی دوّم، به مسائل لبنان پرداخته خواهد شد و مخاطب آن خطبه برادران عرب ما در کشورهای منطقه هستند؛ لذا خطبه را به عربی ایراد خواهیم کرد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . وَ الْعَصْرَ * اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَفِیْ خُسْرٍ * اِلَّا الَّذِیْنَ
اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَ تَوٰصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوٰصَوْا بِالصَّبْرِ . (۵)

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

خطبه‌ی دوّم (عربی)

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین احمده و استعینه و استغفره و اتوکل علیه و اصلی و اسلام علی حبیبه
الرسول الاعظم سیّدنا محمد مصطفی و آله الطاهرين سیّدنا علی امیرالمؤمنین و حبیبته

الزُّهراء المرضية و الحسن و الحسين سيّدَى شبابِ اهلِ الجنّة و عليّ بن الحسين زين العابدين و محمّد بن عليّ الباقر و جعفر بن محمّد الصادق و موسى بن جعفر الكاظم و عليّ بن موسى الرضا و محمّد بن عليّ الجواد و عليّ بن محمّد الهادي و الحسن بن عليّ الزكيّ العسكريّ و الحجّة بن الحسن القائم المهديّ صلوات الله عليهم اجمعين و اسلام على صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين و على حماة المستضعفين و ولاة المؤمنين.

ارتأيتُ أن يكونَ تَكريمُ أخى وعزيزى ومبعثُ افتخارى والشخصيةُ المحبوبةُ فى العالمِ الإسلامى، واللسانُ البليغُ لشعوبِ المنطقة، ودُررةُ لبِنانِ السّاطعةُ، سَماعةُ السيّدِ حَسَنِ نصرانٍ، رضوانِ الله تعالى عليه، فى صلاةِ جُمعةِ طَهْران، وسأُتطرّقُ أيضًا لبعضِ النّقْاطِ.

هذا الخطابُ موجّهٌ للأُمَّةِ الإسلاميّةِ جَمعاً، إلاّ أنّهُ موجّهٌ بشكلٍ خاصٍّ إلى الشّعبيّينِ العَزيزينِ اللبِنانيّينِ والفلسطينيّينِ. نحنُ جميعاً مصابونَ ومكلومونَ بِشهادةِ السيّدِ العَزيزِ، إنّهُ لفقدانٌ كبيرٌ، ولقد أفعنا بكلِّ معنى الكلمة. غيرَ أنّ عزاءنا لا يعنى الاكتئابَ واليأسَ والاضطرابَ، بل هو من سنخِ عزائنا على سيّدِ الشهداءِ الحسين بن عليّ عليه السلام؛ يبعثُ الحياةَ، ويُلهمُ الدُّروسَ، ويوقدُ العزائمَ، ويضخُّ الآمالَ.

لقد غادرنا السيّدَ حَسَنَ نصرانٍ بجسده، لكنّ شخصيّةً حقيقيّةً؛ رُوحَهُ، ونَهجَهُ، وصوتَهُ الصّادِحَ، سَتبقى حاضرةً فينا أبدياً. لقد كان الرّايةَ الرّفيعةَ للمقاومةِ فى وجهِ الشياطينِ الجائرينِ والناهبينِ، وكان اللسانَ البليغَ للمظلومينِ والمدافعَ الشّجاعَ عنهم، كما كانَ للمناضلينِ على طريقِ الحقِّ سنداً ومشجّعاً، لقد تخطّى نطاقَ شعبيّتهِ وتأثيرهُ حدودَ لبِنانِ وإيرانِ والبلدانِ العربيّةِ، وستُعزّزُ شهادتُهُ الآنَ مدى هذا التأثيرِ.

إنّ أهمَّ رسائلِهِ قولاً وعملاً، فى حياتِهِ الدنيويّةِ، لكم يا شعبَ لبِنانِ الوفىّ، كانت أّلاّ يساوركمُ يأسٌ واضطرابٌ بغيابِ شخصيّاتِ بارزةٍ مثلِ الإمامِ موسى الصدرِ والسيّدِ عبّاسِ الموسوى، وأّلاّ يصيبكمُ ترديدٌ فى مسيرةِ نضالكمُ. ضاعفوا مَساعيكمُ وقُدُراتكمُ، وعزّزوا تلاحُمكمُ، وقاوموا العدوَّ المُعتدى وأفشلوهُ بتَرسِيخِ إيمانكمُ وتوكُّلكُم.

أعزّائى، يا شعبَ لبِنانِ الوفىّ، يا شبابَ حزبِ الله وحركة أمل المُفعمَ بالحماسة! يا أبنائى، هذا أيضًا طلبٌ سيّدنا الشهيد اليوم من شعبه وجبهة المقاومة والأُمَّة الإسلاميّة جَمعاً.

العدوَّ الخبيثُ الجبانُ، إذ عجزَ عن توجيه ضربة مؤثِّرة للبنية المتماسكة لحزبِنا أو حماس أو الجهاد الإسلامي وغيرها من الحركات المجاهدة في سبيلنا، عمَدَ إلى التظاهر بالنصر من خلال الاغتيالات والتدمير والقصف وقتل المدنيين وحرق قلوبهم.

لكن ما هي النتيجة؟ ما نجمَ عن هذا السلوك هو تراكمُ الغضب وتعاقدُ دوافعِ المقاومة، وظهورُ المزيد من الرجال والقادة والمضحيين، وتضييقُ الخناق على الذئب الدُموي، وبالتالي، إزالةُ الكيان الملتطِّح بالعار من ساحة الوجود، إن شاء الله.

أيُّها الأعزَّة، القلوبُ المفجوعة تستلهمُ السكينة بذكرنا وطلبِ النصرة منه. الدمارُ سيُعوَّض، ومبرُّكم وثباتُكم سيُثمرُ عزَّةً وكرامةً.

لقد كانَ السيِّدُ العزيزُ طوالَ ثلاثينَ عامًا على رأسِ كِفاحِ شاقٍّ، وارتقى بحزبنا خطوةً بخطوة: «كَزَرَ عِ الْخَرَجَ شَطَاةًهُ فَآزَرَهُهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلِمِ سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَدَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَاجْرًا عَظِيمًا». (٤)

بتدبيرِ السيِّدِ نما حزبنا مرحلةً بمرحلة، بصبرٍ وبنحو منطقيٍّ وطبيعيٍّ، وأبرزَ آثارَه الوجوديَّةَ أمامَ أعدائه في المراحلِ المختلفةِ عَبْرَ دَحْرِ العدوِّ الصَّهْيُونِيِّ «تُوْتِي الْكُلَّهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا». (٧)

حزبنا هو حقًّا شجرةٌ طيِّبة، حزبنا وقائدُه الشهيدُ البطلُ هو عمارةُ فضائلِ لبنان في تاريخه وهُوِيَّتِه.

نحن الإيرانيون قد عرفنا منذُ زمنٍ بعيدٍ لبنانَ وفَضَائِلَه، فقد أغدقَ علماءُ لبنانيُّونَ من فيضِ علمهم على إيران في العَهْدَيْنِ السَّرِبِدَارِيِّ وَالصَّفَوِيِّ خلالَ القرنِ الثامنِ والعاشِرِ والحادي عشرِ للهجرة، ومنهمُ محمدُ بنُ مكِّيِّ العامليِّ الشهيد، وعليُّ بنُ عَبيدِ العَالِ الكركي، وزينُ الدينِ العامليِّ الشهيد، والحسينُ بنُ عبدِ الصَّمَدِ العامليِّ، وابنهُ بهاءُ الدينِ المَعْرُوفُ بِالشَّيْخِ الْبَهَائِيِّ وغيرُهُم من رجالِ الدِّينِ والعِلْمِ.

أداءُ الدِّينِ لِلْبَنَانِ الْجَرِيحِ الْمُدْمَى هو واجبنا وواجبُ المسلمين جميعًا. حزبنا والسيِّدُ الشهيدُ بدفاعهم عن عزَّة، وجهادهم من أجل المسجد الأقصى، وإنزالهم الضربة بالكيانِ الغاصبِ

والظالم، قد خَطوا خطوةً في سبيل خدمة مصيريةٍ للمَنطِقةِ بِأكملِها، والعالم الإسلامي كلاًه. إنَّ تركيزَ أمريكا وأذُرُعيها على حِفظِ أَمَنِ الكِيانِ الغاصِبِ ليسَ سوى غطاءٍ لسياسَتِهِم المُتبدِّدةِ القاضيةِ بتحويلِ الكِيانِ إلى أداةٍ للاستحواذِ على جميعِ المواردِ الطبيعيَّةِ لهذهِ المنطقةِ واستثمارِها في الصِّراعاتِ العالميَّةِ الكُبرى. هدفُ هؤلاءِ تحويلُ هذا الكِيانِ إلى بوابةٍ لتصديرِ الطاقةِ من المَنطِقةِ إلى بلادِ الغربِ، واستيرادِ البضائعِ والتفانَةِ من الغربِ إلى المنطقةِ. وهذا يعنى ضمانَ وجودِ المغتصبِ وجعلِ المنطقةِ بأجمعها تابعةً له.

والسلوكُ السفَّاحُ والوفحُ لهذا الكيانِ تجاهَ المناضلينِ ناجمٌ عن الطَّمعِ بتحقيقِ هذا الهدفِ. هذا الواقعُ يبيِّنُ لنا أن كلَّ ضربةٍ يُنزلُها أيُّ شخصٍ وأيَّةُ مجموعةٍ بهذا الكيانِ، إنَّما هي خدمةٌ للمَنطِقةِ بأجمعها، بل لكلِّ الإنسانِيةِ.

لا ريبَ في أنَّ أحلامَ الصهاينةِ والأمريكيِّينِ هذه إنَّما هي محضُ أوهامٍ مستحيلَةٍ. فالكيانُ ليسَ إلاَّ تلكَ الشجرةَ الخبيثةَ التي «أُجْتُذِّتْ مِنَ فَوْقِ الأَرْضِ»، وقد صدَّقَ قولُهُ تَعَالَى «ما لَهَا مِنَ قَرَارٍ». (٨)

هذا الكيانُ الخبيثُ، بلا جذورٍ، ومزيَّفٌ وامتزعزِعٌ، وقد أبقيَ نفسه قائماً بصعوبةٍ عبرَ صحِّ أمريكا الدِّعمَ له، ولن يُكتبَ له البقاءُ بإذنِ تَعَالَى. والدليلُ الواضحُ على ذلكَ أنَّه أنفقَ ملياراتَ الدولاراتِ في غزوةِ ولبنانَ منذُ عامٍ، وأُغْدِقتَ عليهِ المساعداتُ المختلفةُ من أمريكا وعددٍ منِ الدولِ الغربيَّةِ، وقد مُنِيََ بالهزيمةِ في مواجهةِ بَرضَةِ آلافِ منِ المكافحينِ والمجاهدينِ في سبيلِ المحاصرينِ الممنوعينِ من أيِّ مساعدةٍ خارجيَّةٍ، وكانَ إنجازَهُمُ الوحيدُ قصفَ البيوتِ والمدارسِ والمستشفياتِ ومراكزِ تجمُّعِ المدنيِّينِ.

واليومُ فإنَّ العِصَابَةَ الصهيونيَّةَ المجرمةَ أنفُسَهُمُ قد توصَّلوا أيضاً إلى هذهِ النتيجةِ وهي أنَّهم لن يحقِّقوا النِّصْرَ أبداً على حماسٍ وحزبِنا.

يا أهلنا المقاومينَ في لبنانَ وفلسطينِ! أيها المناضلونَ الشَّجعانُ! أيها الشعبُ الصبورُ الوفيُّ! هذهِ الشَّهادَاتُ، وهذهِ الدِّماءُ المَسفوكَةُ، لا تُزْعِجُ عَزيمَتَكُمُ، بل تَزِيدُكُمُ ثباتًا. في إيرانِ الإسلاميَّةِ، خلالَ ثلاثةِ أشهرٍ من صَيفِ ١٩٨١، جرى اغتيالُ العشراتِ من شخصيَّاتِنَا البارزةِ والمميِّزةِ، ومنهُمُ شخصيَّةٌ عَظيمةٌ مثلُ السيِّدِ محمدِ بهشتي، ورئيسُ جُمهوريَّةِ مثلُ رجائي،

ورئيسُ وزراءٍ مثلُ باهنر، واغتيلَ علماءٌ مثلُ آيةِ اللهِ مدني وقدوسي وهاشمي نجاد وأمثالهم، وكان كلُّ واحدٍ منهم من أعمدةِ الثورة على المُستوى المحليِّ أو الوطنيِّ، ولم يَكُنْ فقدانُهُم هينًا، لكنَّ مسيرةَ الثَّورة لم تتوقف ولم تتراجع، بل تسارعت.

واليوم، فإنَّ المقاومةَ في المنطقة لن تتراجعَ بشهادةِ رجالِها، والنصرُ سيكونُ حليفَ المقاومة. المقاومةُ في غزّةَ حيرتِ العالم، وأعزتِ الإسلام. لقد تلقى الإسلامُ في غزّةَ بصدرة كلِّ أنواع الخبيث والشرِّ. وما من إنسانٍ لا يُحدي هذا الصمود، ولا يلعنُ عدُوَّها السفاحَ والدُمويِّ.

لقد أوصلَ طوفانُ الأقصى وعامُ من المقاومةِ في غزّةَ ولبنان، هذا الكيانَ الغاصِبَ إلى أن يكونَ هاجسَهُ الأهمَّ حفظَ وجودِهِ، وهو الهاجسُ نفسهُ الذي كانَ يُساورُ هذا الكيانَ في السنوات الأولى لولادته المَشؤومة، وهذا يعني أنَّ جهادَ رجالِ فلسطين ولبنان قد أعاد الكيانَ الصهيونيِّ سبعينَ سنةً إلى الوراء.

العاملُ الأساسيُّ للحروبِ وانعدامِ الأمنِ والتخلُّفِ في هذهِ المنطقة هوَ وجودُ الكيانِ الصهيونيِّ وحضورُ الدُّولِ التي تدعى أنها تسعى إلى إحلالِ الأمنِ والسلامِ في المنطقة. فالمشكلةُ الأساسُ في المنطقة هيَ تَدخُّلُ الأجنبيِّ فيها. دولُ المنطقة قادرةٌ على إحلالِ الأمنِ والسلامِ فيها. وتحقيقُ هذا الهدفِ العظيمِ والمُنقذِ للشُّعوبِ يَسْتَلزِمُ بِذَلِ جُهودَ شُعوبِها وحوما تها.

وإنَّ معَ السَّائرينَ على هذا الدُّربِ، «وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّمَهُمْ نَصْرَهُمْ لِقَادِرٍ». (٩)

سلامٌ على القائدِ الشهيدِ نصرِ الله، وعلى البطلِ الشهيدِ هَنديَّة، وعلى القائدِ المُفتخِرِ الفَرِيقِ قاسمِ سُلَيْماني. (١٠)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنََّّهُ كَانَ تَوَّابًا. (١١)

۱) خطبه‌های این نماز در مصّیّای تهران ایراد گردید.

۲) سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱

۳) گروه‌های مقاومت فلسطینی در روز شنبه پانزدهم مهرماه ۱۴۰۲ عملیّات گسترده‌ای را با عنوان «طوفان‌الاقصی» آغاز کردند که در ساعات ابتدایی آن، تعداد زیادی از صهیونیست‌ها کشته و زخمی و اسیر شدند.

۴) اشاره به عملیّات وعده‌ی صادق ۲ در دهم مهرماه که در پاسخ به شهادت شهید اسماعیل هنیّه و سیّدحسن نصرای و شهید سرلشکر عباس نیلفروشان و نیز حملات وحشیانه به غزه و منطقه‌ی صاحیه‌ی بیروت، با ده‌ها موشک، اهداف امنیّتی و نظامی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی مورد حمله قرار گرفت.

۵) سوره‌ی عصر؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان. سوگند به عصر [غلبه‌ی حق بر باطل] که واقعا انسان دستخوش زبان است، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»

۶) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹

۷) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۵

۸) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۶

۹) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۳۹

۱۰) لازم دانستم تکریم از برادرم و عزیزم و مایه‌ی فخرم، چهره‌ی محبوب دنیای اسلام، و زبان گویای ملت‌های منطقه، گوهر درخشان لبنان، جناب سیّدحسن نصرای (رضوان الله علیه) در نماز جمعه‌ی تهران باشد، و تذکّراتی هم به عرض همه برسانم.

مخاطب این خطبه همه‌ی دنیای اسلام است، ولی ملت عزیز لبنان و فلسطین مخاطب ویژه است. ما همه در شهادت سیّد عزیز، مصیبت‌زده و عزاداریم. این، فقدان بزرگی است و جداً ما را عزادار کرد. البتّه عزاداری ما به معنی افسردگی و پریشانی و نومیدی نیست؛ از جنس عزاداری برای سیّدالشهدا حسین‌بن‌علی (علیهما السلام) است؛ زنده‌کننده، و درس‌دهنده، و انگیزه‌بخش، و امیدآفرین است.

سیّدحسن نصرای جسمش از میان ما رفته ولی شخصیّت حقیقی او، روح او، راه او، و صدای رسای او همچنان در میان ما هست و خواهد بود. او پرچم بلند مقاومت در برابر اهریمنان ستمگر و غارتگر بود؛ زبان گویا و مدافع شجاع مظلومان بود؛ مایه‌ی دلگرمی و جرئت مبارزان و حق‌طلبان بود. گستره‌ی محبوبیّت و تأثیرگذاری او از لبنان و ایران و کشورهای عربی فراتر رفته بود؛ و اکنون شهادت او این اثرگذاری

را افزایش خواهد داد.

مهم‌ترین پیام گفتاری و عملی او در حیات دنیایی‌اش برای شما ملّت وفادار لبنان این بود که با از دست دادن شخصیت‌های برجسته‌ای چون امام موسی صدر و سیدعباس موسوی و دیگران، ناامید و پریشان نشوید؛ در مسیر مبارزه تردید نکنید؛ بر تلاش و توان خود بیفزایید؛ همبستگی خود را دوچندان کنید؛ در برابر دشمن متجاوز و متعصّب با تقویت ایمان و توکل مقاومت کنید و او را ناکام بگذارید.

عزیزان من! ملّت باوفای لبنان! جوانان پُرشور حزب‌الله و امل! فرزندان من! امروز هم خواسته‌ای سید شهید ما از ملّت‌ت، و از جبهه‌ای مقاومت، و از همه‌ای امّت اسلامی همین است.

دشمن پلید و زبون چون نمیتواند به تشکیلات مستحکم حزب‌الله یا حماس یا جهاد اسلامی و دیگر سازمان‌های مجاهد فرسبیل‌الله صدمه‌ای جدی بزند، ترور و تخریب و بمباران و کشتار غیر نظامیان و داغدار کردن غیر مسلّحین را نشانه‌ای پیروزی خود قلمداد میکند. نتیجه چیست؟ محصول این رفتار، تراکم خشم و افزایش انگیزه‌ای مردم و سر برآوردن مردان و سرداران و رهبران و از جان‌گذشتگان بیشتر، و تنگ‌تر شدن حلقه‌ای محاصره‌ای گرگ‌خون‌آشام، و سرانجام، حذف وجود ننگین او از صحنه‌ای وجود است، ان‌شاءالله.

عزیزان! دل‌های داغدار با یاد خدا و طلب نصرت از او آرامش می‌یابد؛ ویرانی‌ها ترمیم میشود، و صبر و استقامت شما عزّت و کرامت به بار می‌آورد.

سید عزیز، سی سال در رأس مبارزه‌ای دشوار قرار داشت؛ حزب‌الله را قدم به قدم بالا آورد؛ «چون کشته‌ای که جوانه‌ای خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.»

با تدبیر سید، حزب‌الله مرحله به مرحله و صبورانه و منطقی و طبیعی رشد کرد و آثار وجودی خود را در مقاطع گوناگون در عقب نشان دادن رژیم صهیونی، به رخ دشمنانش کشید؛ «میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد».

حزب‌الله حقّاً «شجره‌ای طیّبه» است. حزب‌الله و رهبر قهرمان و شهید آن، عماره‌ای فضائل تاریخی و هویتی لبنانی هستند.

ما ایرانی‌ها از زمانی دور با لبنان و امتیازهایش آشنایم؛ کسانی چون شهید محمد بن مکی عاملی، و علی بن عبدالعال کَرَکی، و شهید زین‌الدین عاملی، و حسین بن عبدالصمد عاملی، و پسرش محمد بهاء‌الدین، معروف به شیخ بهائی و غیر آنها از مردان علم و دین، ایران را در دولتهای سربداران و صفوی در قرنهای هشتم و دهم و یازدهم هجری از برکات دانش سرشار خود بهره‌مند کرده‌اند.

اداء دین به لبنان مجروح و خونین، وظیفه‌ای ما و وظیفه‌ای همه‌ی مسلمانها است. حزب‌الله و سید شهید با دفاع از غزه و جهاد برای مسجداً لاقصی و ضربه به رژیم غاصب و ظالم، در راه خدمتی حیاتی به همه‌ی منطقه و همه‌ی دنیای اسلام گام برداشتند. تکیه‌ی آمریکا و همدستانش بر حفظ امنیت رژیم غاصب، پوششی برای سیاست مهلک تبدیل رژیم به ابزار آنان برای در اختیار گرفتن همه‌ی منابع این منطقه و استفاده از آن در درگیری‌های بزرگ جهانی است. سیاست آنان، تبدیل رژیم به دروازه‌ی صادرات انرژی از منطقه به جهان غرب و واردات کالا و فناوری از غرب به منطقه است و این یعنی تضمین موجودیت رژیم غاصب و وابستگی کل منطقه به آن. رفتار سفّاکانه و بی‌محابای رژیم با مبارزان، ناشی از طمع به چنین وضعی است. این واقعیت به ما تفهیم میکند که هر ضربه به رژیم از سوی هر کس و هر مجموعه، خدمت به کل منطقه و بلکه به کل انسانیت است.

یقیناً این رؤیای صهیونی و آمریکایی، خیالی باطل و ناشدنی است. رژیم، همان شجره‌ی خبیثه‌ی کهنه‌شده از روی زمین است که به گفته‌ی صدق الهی قرار ندارد. این رژیم خبیث، بی‌اریشه و مصنوعی و ناپایدار است و صرفاً با تخریب حمایت‌های آمریکا خود را برزخمت بر سر پا نگه داشته است؛ و این هم دیری نخواهد پایید؛ باذن الله تعالی.

دلیل واضح این ادعا آن است که اکنون یک سال است که دشمن با هزینه‌ی کرد چندین میلیارد دلار در غزه و لبنان و با کمک همه‌ی جانبه‌ی آمریکا و چند دولت غربی دیگر در رویارویی با چند هزار مرد مبارز و مجاهد فی‌سبیل‌الله که محصور و ممنوع از هر گونه کمک از خارجند، شکست خورده و تنها هنرشان بمباران خانه‌ها و مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز جمعیتی غیر مسلحین بوده است! امروز بتدریج خود باند جنایتکار صهیونیست هم به این نتیجه رسیده‌اند که بر حماس و حزب‌الله هرگز پیروز نخواهند شد.

مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس! این شهادتها، این خونهای بر زمین‌ریخته، نهضت شما را سست نمیکند، [بلکه] استوارتر میکند. در ایران اسلامی در حدود سه ماه تابستان یک سال (سال ۱۳۶۰ هجری شمسی) چند ده شخصیت برجسته و ممتاز ما ترور شدند که یکی از آنها شخصیت بزرگی مثل سید محمد بهشتی بود، یکی رئیس‌جمهوری مثل رجائی و نخست‌وزیری مثل باهنر بود،

علمائی از قبیل آیت‌الله مدنی و قدوسی و هاشمی‌نژاد و امثال اینها بودند. اینها هر کدام در سطح ملی یا محلی از ستونهای انقلاب به شمار می‌آمدند و فقدانشان چیز آسانی نبود؛ ولی انقلاب متوقف نشد، عقب‌نشینی نکرد، بلکه سرعت گرفت.

امروز هم مقاومت در منطقه با این شهادتها عقب نخواهد نشست؛ مقاومت پیروز خواهد شد. مقاومت در غزه چشم دنیا را خیره کرد؛ به اسلام عزت بخشید. در غزه، اسلام در برابر همه‌ی شرارت و پلیدی سینه سپر کرده است. هیچ انسان آزاده‌ای نیست که بر این ایستادگی درود، و بر دشمن سفاک و خون‌آشامش لعنت نفرستد.

طوفان اقصی و مقاومت یک‌ساله‌ی غزه و لبنان، رژیم غاصب را به جایی رساندند که مهم‌ترین دغدغه‌اش، حفظ موجودیّت خود است؛ یعنی همان دغدغه‌ای که این رژیم در سالهای اوّل ولادت نحسش داشت. این بدین معنی است که مجاهدت مردان مبارز فلسطین و لبنان توانسته است رژیم صهیونی را هفتاد سال به عقب برگرداند.

عامل عمده‌ی جنگ و ناامنی و عقب‌ماندگی در این منطقه، «وجود رژیم صهیونیستی» و حضور دولتهایی است که ادعا میکنند به دنبال فضای صلح و آرامش در منطقه‌اند. مشکل عمده‌ی منطقه، «دخالت بیگانگان» است. دولتهای این منطقه قادرند صلح و سلامت را در آن مستقر کنند. برای این هدف بزرگ و نجات‌بخش، تلاش و مبارزه‌ی «ملّتها» و «دولتها» لازم است. در این راه، خدا همراه رهروان است؛ و البتّه خدا بر پیروزی آنان سخت توانا است.

سلام خدا بر رهبر شهید نصرانی، و بر قهرمان شهید هنیّه، و بر فرمانده پُرافتخار سپهید قاسم سلیمانی.

(۱۱ سوره‌ی نصر؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان، چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد، و ببینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند، پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه‌پذیر است.»)